

## خود شیطان

شیطان مصادیقی دارد. اغفال گران و خوانندگان به گناه و گمراهی، نمونه‌های آن هستند. کسانی که با چرب زبانی و ملایمت و با اعمال غیر انسانی، خود دیگران را به فساد، تباهی، انحراف و کجی می‌کشاند، خود، شیطان‌اند.

شیطان انسی که در قرآن و روایات یا گفتار بزرگان آمده است: به همان انسان‌های مفسد و منحرف گفته می‌شود. شیطان انسی که در قرآن آمده بر چند قسم است:

یکی از آنها بر خود شیطان اطلاق می‌شود. قرآن در چند جا بعضی انسانها را شیطان خوانده و نام شیطان بر آنها گذاشته است، از جمله آنان کسانی بودند که، در صدر اسلام دایما جلساتی تشکیل می‌دادند و جاسوسانی از هم فکran خود را به میان مسلمین می‌فرستادند تا اطلاعاتی کسب کنند، در بین آنها تفرقه و دوگانگی ایجاد نمایند و آنان را به جان هم اندازند.

کسانی که برای جاسوسی و تفرقه اندازی انتخاب می‌شدند، هنگام گزارش دادن، برای این که وضع خودشان را محکم‌تر کنند به هم فکran خود می‌گفتند: سخنان مسلمانان در ما کوچک‌ترین اثری ندارد ما به شما وفادار بوده و خواهیم بود. اگر از آنها سؤال می‌شد که شما به چه علت در میان آنان رفت و آمد می‌کنید و به آیات قرآن گوش فرا می‌دهید؟ در جواب گفتند:

رفته بودیم آنها را مسخره کنیم. خداوند این جمعیت را خود شیطان نام نهاده و نامشان را از ردیف آدمیان حذف نموده است. قرآن درباره آنها می‌فرماید:

«و اذا لقوا الذين آمنوا قالوا آمنا و اذا خلو الى شياطينهم قالوا

انامعكم انما نحن مستهزئون»

«و هنگامی که - منافقان و جاسوسان - با مؤمنان رو به رو

می شدند، می گفتند: ما، ایمان آورده ایم! و هنگامی که با شیاطین خود خلوت کردند، می گفتند: ما با شما ایم، ما آنها را (مسلمین را) مسخره کرده ایم)).<sup>(۱)</sup>

دسته دوم که قرآن آنها را شیطان نامیده، کسانی هستند که با کارهای بیهوده و بی اساس که به ظاهر تشریفات و تشکیلاتی دارد، ولی نتیجه و ثمره ای بر آنها مترتب نیست مردم را سرگرم نگه داشته و اجتماعی را به آنها مشغول می دارند. قرآن درباره آنها می فرماید:

«و ما کفر سلیمان و لکن الشیاطین کفروا یعلمون الناس السحر»

«سلیمان هرگز - دست به سحر و جادو نیالود و - کافر نشد و لکن شیطان (کسانی که) به مردم تعلیم سحر نموده و جاسوس گری را رواج دادند کافر شدند».<sup>(۲)</sup>

قرآن نام اینها را هم شیطان گذاشته و نام آدم را از آنها برداشته است. سوم، از کسانی که خداوند نام شیطان بر آنها نهاده و اسم آدمیت را از آنان برداشته است، کسانی هستند که با فرستادگان و پیامبران خدا دشمنی ورزیده و در برابر آنها ایستاده و سخنان فریبنده ای برای اغفال یکدیگر و گوشی به هم می گفتند، درباره چنین افرادی می فرماید:

«و کذلک جعلنا لکل نبی عدوا شیاطین الانس و الجن یوحی بعضهم الی بعض زخرف القول غرورا»

«این چنین در برابر هر پیامبری دشمنی شیاطین انس و جن قرار دادیم که سخنان فریبنده و بی اساس - برای اغفال مردم - به طور سری و (در گوش) به یک دیگر می گفتند».<sup>(۳)</sup>

در این آیه تذکر می دهد که این گونه دشمنان سرسخت و لجوج، هم در برابر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و هم در برابر دیگر پیامبران دشمنانی از شیاطین جن و انس وجود داشته اند. در سه آیه فوق خداوند متعال عده ای از مردم را خود شیطان می داند و نام انسانیت را از آنها برداشته و از جمع انسانها ز دوده است.

گاهی بعضی از افراد در ظلم و خیانت، حيله و تزوير، قتل و غارت، مکرو حقه به جایی می‌رسند - نه این که همرديف شیطان می‌شوند بلکه - از شیطان جلو افتاده و استاد او به حساب می‌آیند. شیطان باید در مقابل آنها زانو بزند و شاگردی کند. آنها کسانی هستند که به غیر از خدا چیزی، یا کسی، یا رئیسی، یا وزیری، یا مجسمه‌ای، یا بتی، یا سنگ و درختی را عبادت می‌کنند و آن را در زندگی خود مؤثر و صاحب نفوذ می‌دانند. این افراد طبق آیات و روایات مشرک و کافر هستند.

البسته مراد از عبادت این نیست که در برابر آنها نماز و سجده، یا راز و نیاز و ستایش کند، بلکه مراد، اطاعت و پیروی از آنها است. حتی گوش دادن به سخن کسی به قصد این که به آن عمل کند و یا قانون کشوری یا عده‌ای را به رسمیت بشناسد خود آن یک نوع عبادت است. از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده: کسی که به سخن سخن‌گویی گوش فرا دهد و از روی رضا تسلیم او شده او را پرستش کرده، اگر این سخن گو از سوی خدا سخن گوید: خدا را پرستیده و اگر از سوی ابلیس سخن گوید: ابلیس را عبادت کرده است. (۴)

این عبادت و تسلیم بودن در برابر غیر خدا، و خود را در بست در اختیار دیگران قرار دادن، انسان را یک درجه از شیطان بالاتر برده و او را استاد او قرار می‌دهد. قرآن در این باره می‌فرماید:

«يا ابت انی اخاف ان یمسک عذاب من الرحمن فتکون للشیطان ولیا»

«از قول ابراهیم به پدرش آذر که می‌فرماید: - ای پدر! من از این می‌ترسم که با این بت پرستی و شرک که دارای عذابی از ناحیه خداوند رحمان به تو رسد و تو از اولیای شیطان باشی» (۵)

اینها از این رو، استاد شیطان اند که کسی یا چیزی را ستایش می‌کنند که هیچ وقت شیاطین آنها را ستایش نکرده‌اند. این‌ها بت را می‌پرستند، انسان و درخت و چیزهای دیگر را می‌پرستند. اما شیطان می‌گفت: خدایا من فقط تو را اطاعت می‌کنم و بس. جرم آن ملعون هم این بود که زیر بار سجده بر آدم نرفت، ولی اینها در شرک و کفر و بت پرستی از شیطان هم پیشی گرفتند و در واقع استاد او شدند.

آن شنیدستم که شیطان را به خواب  
دید شخصی گفت: کی شیطان به حق بوتراب  
که فلانی هست شاگرد شما

گفت: نی نی، استاد است بر ما آن جناب  
کسی در خواب شیطان را دید، از وی پرسید: تو را به حق ابو تراب  
قسم می‌دهم، آیا فلان شخص شاگرد تو است؟ گفت: «نه والله» آن  
عالی جناب استاد من است. سپس آن شخص گفت: من از شاگردان  
بودم ولی اوالحال از لشکریان من است. سپس آن شخص گفت: من از  
شاگردان بودم ولی او الحال از لشکریان من است. هرگاه من زنده  
بمانم تا شیطان بمیرد، مکر و حيله‌هایی از شر و فساد ظاهر می‌کنم که  
اگر او بعد از من بیاید نمی‌تواند آنها را اظهار کند.<sup>(۶)</sup>

خود شود شیطان، چه شیطان ای مان  
گشته شیطان طفل ابجد خوان آن  
فخر از شاگردیش شیطان کند  
مشکل شیطان همه آسان کند  
نیست شیطان را به او کاری دگر  
خود بود شیطان و از شیطان بتر

### برادران شیطان

هر کس در دنیا برادر یا برادرانی دارد، و اگر احیاناً برادری نداشته  
باشد برای خود بر می‌گزیند تا تنها باشد. کسانی را که انتخاب می‌نماید  
باید با او هم فکر و هم عقیده باشند.  
شیطان هم برای خود برادرانی برگزیده است. آنها کسانی هستند که  
حق خویشان و هموطنان و بیچارگان و درماندگان را پایمال می‌کنند  
و به آنها نمی‌پردازند. اسراف و تبذیر می‌کنند مال خود را در راه غیر  
صحیح و فساد مصرف می‌نمایند، یا بدون انگیزه دارایی خود را ریخت و  
پاش می‌نمایند و به مصرف صحیح و عقلانی نمی‌رسانند. چنین

افرادی برادران شیطان اند. قرآن درباره آنها چنین می‌فرماید:  
«ان المبذرين كانوا اخوان الشياطين و كان الشيطان لربه كفورا»  
«(به درستی که تبذیر کنندگان برادران شیطان اند و شیطان

هم نعمت‌های پروردگارش را ناسپاس کرد).»<sup>(۷)</sup>  
این که شیطان نعمت‌های پروردگارش را ناسپاس کرد روشن است، زیرا خداوند نیرو و توان، هوش و استعداد فوق العاده‌ای به او عنایت کرده، ولی او همه نیروها را در راه نادرست، یعنی در راه اغوا و گمراهی مردم مصرف کرد.

به این خاطر تبذیر کنندگان برادران شیطان اند که از نعمت‌های خدا، ناسپاسی کرده و در راه ناصواب صرف می‌نمایند. بی‌شک اسراف یکی از ناپسندترین اعمال از دیدگاه قرآن و اسلام است. نعمت‌ها و مواهب کره زمین، برای ساکنانش کافی است، در صورتی که بیهوده به هدر داده نشوند، بلکه به صورت صحیح و معقول، دور از هر گونه افراط و تفریط مورد بهره برداری قرار گیرند، و گرنه این نعمت‌ها آن قدر زیاد نیست که اگر در راه نادرست استفاده شود، هم چنان باقی بمانند و کم نشوند. چه بسا اسراف و تبذیر در منطقه‌ای، باعث محرومیت منطقه دیگری شود، یا اسراف و تبذیر انسان‌های امروز، باعث محرومیت نسل‌های آینده گردد.

قرآن در آیات فراوانی شدیداً اسراف‌گران را به شدت محکوم کرده است. به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود تا هشدار برای مسرفین باشد:

۱. در جایی می‌گوید: «اسراف نکنید که خدا مسرفان را دوست نمی‌دارد». <sup>(۸)</sup>

۲. می‌فرماید: «مسرفان از اصحاب دوزخ و جهنم‌اند». <sup>(۹)</sup>

۳. می‌گوید: «از مسرفان اطاعت نکنید و فرمان نبرید». <sup>(۱۰)</sup>

۴. آیه دیگری می‌فرماید: «مجازات و عذاب الهی در انتظار مسرفان است». <sup>(۱۱)</sup>

۵. می‌فرماید: «اسراف یک روش فرعون‌ی و طاغوتی است». <sup>(۱۲)</sup>

۶. و نیز چنین گفته: «خداوند مسرفان دروغ‌گو را

هدایت نمی کند» (۱۳)

۷. باز می فرماید: «ما افراد اسراف کننده را هلاک می کنیم» (۱۴).  
از این آیات به دست می آید که اسراف و تبذیر بدترین اعمال می باشد،  
و شیطان از مسرفان زیان کار خوشحال است تا آن جا که  
می فرماید: «آنان برادران شیطان اند»

### مادر شیطان

یکی از جاهایی که شیطان وارد عمل می شود و کار خود را با  
جدیت شروع می کند، هنگام انفاق است. وقتی انسان تصمیم می گیرد  
که از مال خودش ببخشد، شیطان با هر نقشه ای جلوی او می ایستد و  
منصرفش می نماید.

خداوند در قرآن می فرماید:

«الشیطان یعدکم الفقر»

«شیطان به شما وعده فقر می دهد» (۱۵)

می گوید: اگر مال خود را انفاق کنی بدبخت می شوی، خود و  
فرزندانت گرسنه می مانید، کسی به شما کمک نمی کند، ممکن است  
در اثر گرسنگی تلف شوید: چرا مال خودت را با دست خود ضایع  
می کنی؟

نقل شده: جمعی در مسجد نشسته بودند و از قحطی و خشک  
سالی ای که برای مردم پیش آمده بود صحبت می کردند و از وضع فقرا  
و بیچارگان که در زحمت بودند می گفتند، یکی از مؤمنان که در  
خزانه خود مواد غذایی و گندم فراوانی داشت تحت تأثیر سخنان بقیه  
قرار گرفت.

گفت: من در انبار خانه ام مقدار قابل توجهی گندم ذخیره کرده ام،  
همه را در اختیار فقرا قرار می دهم و آنها را از بدبختی و فقر قرار  
خواهم داد. رفقا گفتند: آری! مگر شیطان بگذارد. گفت: شیطان هیچ  
غلطی نمی تواند بکند. هم اکنون می روم و همه گندم ها را تقسیم  
می کنم. از جای خود برخاست و به طرف خانه رفت، وقتی خواست در

انبار را باز کند. همسرش جلو آمد و گفت: می خواهی چه کنی؟  
گفت: می خواهم مقداری از این گندم ها را به نیازمندان بدهم و  
از بدبختی نجاتشان دهم. زن گفت: ای مرد! مگر دیوانه شده ای؟  
خودمان احتیاج پیدا می کنیم. هر کس در این شرایط سخت سعی  
می کند گندم تهیه کند و به خانه آورده ذخیره نماید. تو می خواهی  
گندم ذخیره خودمان را به دیگران بدهی؟  
سرانجام شیطان کار خودش را کرد، زن را وسوسه نمود و زن هم مرد  
را، کاری کرد که آن مرد مؤمن به مسجد آمد و پیش فقرا نشست.  
دوستان به او گفتند: چه شد آیا گندم ها را به فقرا دادی یا طبق  
روایتی که می فرماید: کسی که دست در جیبش کند تا چیزی در راه  
خدا دهد، هفتاد شیطان دست او را می گیرند و مانع او می شوند شامل  
حالت شد و انفاق نکردی؟  
گفت: من از هفتاد شیطان خبر ندارم، اما مادر شیطان کار خودش را  
کرد و مانع انفاق شد. (۱۶)

شیطان زند از عصیان

هر لحظه ره مردان

در مکر و حیل اما

شاگرد زنان باشد

### حزب شیطان

همین طور که در هر کشوری گروه ها و احزابی وجود دارند و  
فعالیت سیاسی و اقتصادی می کنند و می کوشند که هر کدام حزب خود  
را از دیگر احزاب پیش رفته تر و فعال تر قلم داد کنند. خداوند متعال هم  
در قرآن مجید دو حزب را یادآور شده، ویژگی های هر کدام را به  
روشنی بیان می کند. یکی «حزب الله» که آنها از پیروان انبیا و اولیا و  
ائمہ معصوم علیہ السلام و سفیران الهی می باشند. دیگری  
«حزب شیطان» که فرد شاخص آن منافقان هستند. ویژگی ای  
حزب شیطان از این قرار است:

۱. افرادی هیچ به یاد خدا نیستند و از او یادی نمی‌کنند. بر دستورها و برنامه‌های او نیستند و آنها را نادیده می‌گیرند.

۲. خود را در قبال مردم و خدا، مسئول نمی‌دانند و از محرومان اجتماع و مستضعفان و بندگان خدا دستگیری نمی‌کنند.

۳. حرفشان دروغ است و برای حق جلوه دادن کارها و برنامه‌های خود به دروغ سوگند می‌خورند و باکی از آن ندارند.

۴. کسانی هستند که همه چیز دنیا، مانند رفاه و آسایش، مال و ثروت، پست و مقام دنیا را خاص خود و فرزندانشان می‌دانند.

۵. آنها منافقان کوردلی هستند که تمام کردار و رفتارشان، حتی نماز و عبادتشان، از روی خودنمایی و دورویی است.

همه از لشکریان و یاران و اعضای صمیمی شیطان‌اند، از کسانی هستند که خدا و خالق خود را به کلی فراموش کرده‌اند. قرآن درباره آنها می‌فرماید:

«استحوذ علیهم الشیطان فانساهم ذکرالله اولئک حزب الشیطان

الان حزب الشیطان هم الخاسرین»

«شیطان بر آنها - منافقان دروغ گو و از خدا بی‌خبر - چیره شده و یاد خدا را از خاطر برده‌اند. آنها حزب شیطان‌اند. بدانید که حزب شیطان زیان‌کاران‌اند»<sup>(۱۷)</sup>.

نه فقط شیطان برایشان چیره شده و زمام اختیار آنها را به دست گرفته و به هر راهی که بخواهد می‌کشانند، بلکه چنان گمراه می‌شوند که در راهنمایی دیگران به گناه از دست یاران شیطان می‌شوند.

گر نه ابلیس اند این قوم خسیس

گردنی دارند لیکن چون ابلیس

همچون زین سبب گردن کشند

در تلاطم روز و شب چون آتشند

عذرها آرند بدتر از گناه

حالمان گردیده از شیطان تباه

هر چه کردند از گناه و خوی بد

لعن بر شیطان می‌کنند افزون زحد



نسبت آن را به شیطان می دهند

خود بری از ذنب و عصیان می کنند

رو، رو، ای شیطان کمین شاگرد تو

هست شیطان خفته زیر ورد تو<sup>(۱۸)</sup>

گر چه شیطان را بود گردن طویل

غافلی از گردن خود ای جلیل<sup>(۱۹)</sup>

در حدیثی جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که: «حزب علی علیه السلام حزب خداست و حزب دشمنان علی علیه السلام حزب شیطان است»<sup>(۲۰)</sup>.

### پیروان شیطان

شیطان پیروانی دارد. عده زیادی از مردم دنیا به جای این که از خدای مهربان خود پیروی نمایند از شیطان سرکش پیروی کرده اند. اینان در قالب های گوناگونی خودنمایی می کنند گاهی در قدرت خدا در رابطه با زنده کردن مردگان به بحث و مجادله می نشینند، گاهی ملائکه را دختران خدا می دانند، بعضی معاد را منکرند، و برخی با تقلید کورکورانه از خرافات و هوس ها، به جدال با حق برمی خیزند. زمانی روی مسئله علمی بحث و مجادله می کنند و به ناحق روی بحث خود پافشاری می نمایند و تا سر حد امکان می کوشند تا حرف نادرست خود را به طرف بقبولانند. در حالی که نه از اسلام خبری دارند و نه حتی کوچک ترین مسئله قرآن و اسلام را درک می کنند. آنان بر همه چیز و همه کس به دیده تردید می نگرند و بر سر گمان خودشان که غلط است سر و صدا راه می اندازند. چنین کسانی پیروان هر شیطان سرکشی خواهند بود و از هر شیطان جنی و انسی پیروی می نمایند. قرآن در این باره می فرماید:

«و من الناس من یجادل فی الله بغیر علم و یتبع کل شیطان

مرید»

«گروهی از مردم بدون هیچ علم و دانشی به مجادله درباره خدایرمی خیزند و از هر شیطان سرکش (جن یا انس) پیروی و اطاعت می کنند».<sup>(۲۱)</sup>

جزای این گونه مردمان به جز آتش سوزان، در قیامت چیز دیگری نخواهد بود. قرآن راجع به هواداران شیطان و جزای اعمال آنها می فرماید:

« قال اذهب فمّن تبعك منهم فان جهنم جراًؤکم جزاء موفورا »

«خداوند خطاب به شیطان کرده می فرماید: - برو! هر کس از آنان (بنی آدم) که از تو تبعیت کند، جهنم و آتش سوزان آن کیفر آنها است و آن، کیفری است فراوان».<sup>(۲۲)</sup>

باید بدانیم که آنها نه از یک شیطان بلکه از شیاطین جن و انس پیروی می کنند که هر یک از آنها برای خود نقشه و برنامه و حيله و دامی فراهم کرده اند. هیچ کدام در یک خط و راه نیستند، برنامه مشترکی هم ندارند، بلکه خطهای آنان چنان متنوع است که انسان در تشخیص آنها سر درگم می شود و مجبور است از همه آنها پیروی نماید.

### لواط کنندگان از پیروان شیطان اند

حضرت علی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل میکند که آن حضرت فرمودند: «خداوند متعال وقتی آدم را امر کرد که از بهشت فرود آید، او و زوجه اش با هم فرود آمدند. ابلیس هم فرود آمد درحالی که همسری نداشت. مار هم فرود آمد و همسری برای او نبود.

اولین کسی که با خود لواط کرد، همان ابلیس بود. فرزندان او از خودش به وجود آمدند، مار هم همین کار را کرد و ذریه او هم از خود او است، ولی ذریه آدم از زوجه و همسر او است. خداوند به آدم و همسرش و خبر داد که شیطان و مار دشمن آنها می باشند».<sup>(۲۳)</sup>

در حدیثی گفته شده: خداوند ابلیس را خلق نمود و در ران راست او آلت مردانگی و در ران چپ او آلت زنان قرار داد. او وقتی می خواهد صاحب فرزندی شود، ران های خود را به هم می مالد و با

خودجفت گیری می کند، درهر بار و هر روز ده تخم می ریزد و از هر تخمی هفتاد شیطان پدید می آید. (۲۴)

از حدیث فوق معلوم می شود، اول کسی که لواط کرد شیطان بود و لواط کنندگان از پیروان مخلص او هستند. آنها باید بدانند که عمل شیطان را انجام می دهند او رهبر و آنان راه ور او هستند. ابی بصیر از امام محمد باقر علیه السلام یا امام جعفر علیه السلام نقل می کند: شیطان یک جوان زیبایی شد و لباس نیکویی پوشید، آمد درمیان جوانان قوم لوط و به آنها دستور داد که با او عمل لواط انجام دهند، زیرا اگر می خواست با آنها این کار را بکند قبول نمی کردند. وقتی قوم لوط آن عمل زشت را با او انجام دادند لذت بردند و یاد گرفتند، از آن پس فرار کرد، و این کار در میان آنها رواج یافت تا جایی که زنان خود را ترک کردند. (۲۵)